

وظایف عاطفی زوجین نسبت به یکدیگر از منظر فقه تربیتی *

□ علی نقی فقیهی **

چکیده

از آنجا که رشد و تعالی عواطف فطری، اساس روح زندگی انسان‌ها و به‌ویژه آرامش‌بخش زندگی زناشویی زوجین است، تحقیق در وظایف عاطفی آنان، از منظر فقه تربیتی ضروری است؛ زیرا فقه - تربیتی عهده‌دار وظایف جوارحی و جوانحی مکلفان در حیطه‌های تربیتی است و وظایف عاطفی تربیتی زوجین از جمله آنها است. مسئله این پژوهش، تبیین وظایف عاطفی زوجین نسبت به هم، از منظر فقه تربیتی است که با روش استنباطی و اجتهادی از آیات و روایات، استنباط شده است. از یافته‌های تحقیق: ۱. از منظر فقها تمام وظایف شرعی اعم از جوانحی و جوارحی هدفمند و هماهنگ با فطرت بوده و در حیطه دانش فقه قرار دارند. ۲. فقها، افعال جوانحی و جوارحی عاطفی را در گستره وظایف مکلفان مطرح کرده‌اند. ۳. محتوای آیات و متون روایی، در زمینه وظایف عاطفی زوجین بسیار متنوع است؛ از جمله بر پیوند انجام این وظایف با درجات ایمان، محبت اهل بیت علیهم‌السلام، معیار بهترین انسان مؤمن از امت اسلامی، رویه خُلُق‌ی انبیا و اولیای الهی، عامل بهشت رفتن، وظیفه - مندی تأمین نیازهای خود با آنها، حق همسر دانستن و بر تأثیر این وظایف بر تسخیر دل همسر و پایداری روانی شخصیتی وی، تأکید شده است. مصادیق رفتارهای نیکو مانند حفظ کرامت همسر، همکاری در تمام امور دنیوی و اخروی با وی، هدیه دادن، برآوردن نیازهای وی، آراستگی برای همدیگر، نشستن در کنار

* تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۴/۱۱؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰.

** گروه علوم تربیتی، دانشگاه قم، قم، ایران: (an-faghihi@qom.ac.ir).

یکدیگر، سر یک سفره باهم غذا خوردن در جهت برقراری رابطه عاطفی زوجین تبیین شده است. از رفتارهای بد از جمله سخت-گیری، آزار دادن، دست-درازی، خیانت، ستمگری، تهمت، ناسزاگویی، خوابیدن در خانه دیگری غیر از خانه همسر و انجام کارهای زشت دیگر که ضد وظایف عاطفی است، پرهیز داده شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: وظایف عاطفی، وظایف جوانحی، وظایف جوارحی، معاشرت معروف، فقه تربیتی.

مقدمه

هدف محوری بعثت پیامبران علیهم‌السلام تزکیه و تعلیم است «قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آل عمران: ۱۶۴)، فقیه تربیتی، مجموعه رفتارهای اختیاری را، اعم از جوانحی در دو جنبه شناختی، عاطفی و رفتارهای جوارحی، در نقشه واحد تربیتی می‌بیند و از اوامر و نواهی در متون قرآنی و حدیثی و اصول عقلی، سلسله مراتب وظایف مکلف را، استنباط و تبیین می‌نماید. استنباط فقیه بر دو نگرش فطری و هدفمندی احکام استوار است. این بدین معنی است که اولاً، منشأ تکالیف و وظایف انسان فطرت است و اقتضای تکوینی آدمی، تشریح احکام جوانحی و جوارحی از ناحیه خداوند حکیم است^۱ (احزاب: ۷۲). ثانیاً، وضع احکام از ناحیه خداوند هدفمند است^۲ (مؤمنون: ۱۱۵؛ قیامت: ۳۶). مکلفان برای رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه در دنیا و آخرت، به اعمال جوانحی و جوارحی موظف می‌گردند. از این رو، همه آنها، اعمال صالح محسوب می‌شوند^۳ (نحل: ۹۷؛ غافر: ۴۰؛ آل عمران: ۱۰۵).

ضرورت و اهمیت مسئله

با توجه به این که انجام وظایف عاطفی، زمینه رشد و تربیت زوجین را فراهم می‌سازد و از تکالیف بسیار مؤثر در قرب الی الله و روح‌بخش زندگی سعادت‌مندانه آنان محسوب می‌شود، ضرورت دارد از منظر فقه تربیتی به تعیین وظایف عاطفی زوجین پرداخته شود.

اهمیت این پژوهش از این جهت است که اولاً، فعلیت‌بخشی به عواطف، منشأ فطری

دارد و بر اساس آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)، خاستگاه فطرت هر یک از زن و مرد، انجام وظایف عاطفی است؛ ثانیاً، فعلیت بخشی به توانمندی‌های فطری و پرورش و ارتقای سلامت روانی و شخصیت سالم انسان، به‌ویژه زن و شوهر به سلامت عاطفی آنان مربوط است (سلاجقه: ۱۳۹۲، ص ۱۲۲). این با انجام وظایف عاطفی تحقق می‌یابد؛ ثالثاً، پژوهش‌های جدید، حاکی از آن است که عواطف هم سرچشمه معرفت‌اند (سلحشوری و یوسف زاده: ۱۳۹۰، ص ۱۲۸) و پرورش آن حتی در توجه و ادراک عمیق حقایق و به‌طورکلی در ارتقای عقلانیت، نقش برجسته‌ای دارد و هر یک از زن و شوهر می‌توانند با عقلانیت کامل‌تری، به مدیریت وظایف عاطفی خویش و همسرش پردازند و بستر زندگی مطلوب را برای خانواده فراهم سازند؛ رابعاً، در پژوهش‌های زیادی نشان داده شده است که ریشه بسیاری از مشکلات روانی مانند بزهکاری‌ها (دوکز و لورج: ۱۹۸۹)، خودکشی‌ها (چوکت: ۱۳۹۳) و اختلالات جنسی (کدی: ۱۹۹۲)؛ عدم سلامت عاطفی است. آشنائی با وظایف عاطفی زوجین و انجام آنها از اختلالات عاطفی آنان پیشگیری می‌نماید و به آنان نسبت به مشکلات روانی مصونیت می‌بخشد؛ خامساً، در متون دینی بر محور بودن وظایف عاطفی در تأمین اهداف تربیتی و زندگی سعادت‌مندان تأکید شده است^۴ (ابن ابی فراس: ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶)؛ زیرا که نقش این وظایف در استحکام زندگی زوجین و پرورش شخصیت انسانی و صعود به مراتب کمالی آنان، نسبت به وظایف مالی و قانونی که آنان بر عهده دارند، قابل مقایسه نیست (موسوی بجنوردی و صومعه سرایی: ۱۳۹۶، ص ۲). از این رو است که در آموزه‌های روایی به غیر از هزاران جمله در تعیین وظایف عاطفی انسان‌ها با یکدیگر، کوشش برای اینکه ارتباط عاطفی میان مسلمانان، به صورت فرهنگ درآید،^۵ صدها روایت در خصوص وظایف عاطفی زوجین نسبت به هم، مطرح شده است.

از این رو، مسئله این پژوهش، تبیین وظایف عاطفی تربیتی زوجین نسبت به هم، از منظر

مبانی نظری تحقیق

در تبیین مبانی نظری تحقیق باید به نکات زیر توجه شود:

۱. شمول فقه نسبت به اعمال جوانحی

فقها، بر گستره فقه اذعان دارند زیرا احکام شریعت اسلامی را جامع دانسته و بر آن استدلال نموده‌اند. به عنوان نمونه صاحب جواهر علاوه بر استناد به آیه «الیوم اکملت دینکم...» (نحفی: ۱۳۶۲، ج ۱۴، ص ۱۴۳؛ ج ۹، ص ۸۷) و استدلال به حدیث «اعطیت جوامع الکلم» (همان: ج ۴۳، ص ۱۶۸)، آموزه‌های چهارده معصوم علیهم‌السلام در طول دویست و پنجاه سال به عنوان یک واحد تربیتی منسجم «أمرهم واحد» و «کُلُّنا واحد» (مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۳۶۳)، تبیین‌کننده وظایف بشر، در ابعاد گوناگون دانسته‌اند، (فقیهی: ۱۴۰۱، ص ۲۳۸). همچنین در تعریف فقه: «الفقه هو العلم بالاحکام الشرعیه الفرعیه عن ادلتها التفصیلیه» (شهید اول، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۰؛ مظفر، [بی تا]، ج ۱، ص ۵). به مجموعه احکام توجه شده و به آن تصریح شده است: «الفقه مجموع الاحکام الشرعیه الفرعیه الکلیه او الوظائف المجعوله من قبل الشارع او العقل عند عدمها» (حکیم: ۱۹۷۹، ص ۴۱). نیز، در تبیین وظایف شرعی، علاوه بر تعریف اعمال جوارحی (خویی: ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۷۲۶)، اعمال جوانحی را تعریف نموده (خراسانی: ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۳۸۲؛ بروجردی: ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۵۴-۵۳) و اعمال اعتقادی و قلبی را، نیز، متذکر شده‌اند (یوسفی مقدم، صادقی فدکی: ۱۳۹۳ به نقل از هاشمی شاهرودی: ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۸؛ بروجردی: ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۵۴-۵۵). حتی برخی در رساله‌های عملیه خود، اول تکالیف اعتقادی را آورده و سپس به تکالیف عملی پرداخته‌اند (وحیدخراسانی: ۱۴۲۱، ص ۲۱-۱۶۷، مظاهری: ۱۳۸۷، ص ۴۶۱-۵۷۵؛ سبحانی: ۱۳۸۸، ص ۳۰-۱۱۴)؛ بنابراین فقها، استنباط احکام مربوط به اعمال جوانحی را همانند اعمال جوارحی، در حیطه دانش فقه می‌دانند (اعرافی: ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۶-۴۵).

۲. فقها و هدفمندی تربیتی وظایف شرعی (تبعیت احکام از مصالح و مفاسد)

معمولاً فقها و علمای اصول، مطابق با آیات قرآنی^۶، روایی^۷ و عقلی^۸ بر هدفمندی وظایف شرعی و اینکه احکام تابع مصالح و مفاسد است، تصریح کرده‌اند (شهید ثانی، [بی‌تا]، ص ۲۱۹؛ نجفی: ۱۳۶۲، ج ۲۲، ص ۳۴۴؛ آخوند خراسانی: ۱۴۰۹، ص ۳۶۴؛ سبحانی: ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۳۹۶).

منظور از مصالح احکام، هدفمندی و نتایج مطلوب کمالی، رشدی و سعادت است که مکلف با انجام واجبات و مستحبات به آنها دست می‌یابد و منظور از مفاسد احکام، نتایج نامطلوب تربیتی و آسیب‌های شخصیتی معنوی است که با انجام محرمات و مکروهات، دامن‌گیر مکلف می‌شود؛ بنابراین خداوند با توجه به مصالح و مفاسد، احکام را وضع کرده است. این بدین معنی است که وضع احکام هدفمند است؛ و هرگونه فعالیت که انبیا، معلمان، والدین و یا هر شخص دیگری به منظور شکوفاسازی استعدادهای فطری و نیل به اهداف از پیش معین شده الهی باشد، تربیت محسوب می‌شود (حسینی زاده: ۱۳۸۶، ص ۱۲). و همان طور که در قرآن (بقره: ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران: ۱۶۴ و جمعه: ۲) تصریح شده، هدف محوری بعثت پیامبران، تربیت و تعلیم است و وظایفی که شرع بر عهده مکلف گذاشته، همه، نقش تربیتی دارند و بستر را برای تغییرات تدریجی رشدی مکلف و نیل به هدف غائی آفرینش فراهم می‌سازند (فقیهی: ۱۴۰۱، ش ۱۵، ص ۲۳۶). بنابراین وضع همه وظایف فعلی و ترکی زوجین نسبت به همدیگر و از جمله وظایف عاطفی آنان، بر اساس اهداف تربیتی و مصالح رشدی و سعادت است؛ و از ضلالت و شقاوت آنان پیشگیری می‌نماید.

مفهوم‌شناسی

عاطفه

«عاطفه» از ریشه «ع ط ف» به معنی میل کردن (المقری الفیومی: ۱۳۴۷: ج ۲، ص ۷۷؛ طریحی: بی‌تا، ج ۵، ص ۱۰۱)، روی آوردن و مهرورزی به دیگری (طباطبایی: ۱۳۵۴، ص ۴۴۴)، توجه نمودن (راغب اصفهانی: ۱۳۷۳، ص ۳۳۸)، تمایل به رأفت و مهربانی (مصطفوی: ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۲۰۴)

است و وقتی با حرف (علی) متعدّدی شود به معنی شفقت و رغبت تعیین می‌یابد (راغب اصفهانی: ۱۳۷۳، ص ۳۳۸). خدای متعال به عطف توصیف می‌شود از آن جهت که حقیقتاً به بندگانش تمایل رؤفانه و رحیمانه دارد (مصطفوی: ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۲۰۵). در آموزه‌های روایی، به ویژه ادعیه، عواطف خدا به کریمانه^۹ (رضی: ۱۳۸۱، ترجمه دشتی، خطبه ۸۳)، رؤفانه^{۱۰} (مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۱۷۲) و رحیمانه^{۱۱} (همان: ج ۹۹، ص ۳۰۷) متصف شده است. عاطفه به عواطف جمع بسته می‌شود و عواطف انسانی، معمولاً به تمایلاتی که با الفت، مهربانی، رحمت، رأفت، شفقت و دوستی همراه باشد، اطلاق می‌شود. البته در انسان گاه تمایل عضوی از بدن و یا کل بدن به جهت مطلوب مایل می‌شود که میل ظاهری و بیرونی است و گاه توجه و تمایل قلبی به دیگری مانند خدا و دیگر انسان‌ها است که میل درونی و معنوی است (مصطفوی: ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۲۰۵).

انواع عواطف

برخی از محققان^{۱۲} عواطف انسانی نسبت به انسان دیگر را، به دو دسته: طبیعی اولی و عواطف ثانوی تقسیم کرده و عواطف اولی را، کشش‌هایی دانسته است که انسان، بدون آن که نفعی ببرد یا زیبایی خاصی در بین باشد، در خود، نسبت به دیگری احساس می‌کند. مثل عاطفه مادر به فرزند که نفع، واسطه و منشأ آن نیست؛ ولی عواطف ثانوی را، عواطفی دانسته که مطلوب در آنها در اصل، چیز دیگری است و شخص مورد عاطفه، از آن جهت که واسطه دستیابی انسان به آن خواهد بود، مورد محبت قرار می‌گیرد. مثلاً انسان، کسی را که به او احسان کند دوست می‌دارد؛ ولی، این یک میل طبیعی نیست بلکه انسان اصالتاً خودش را دوست می‌دارد و ثانیاً و بالعرض، کسی را که واسطه دستیابی او به سود و منفعتش شود.

به نظر می‌رسد گرایش‌های دسته دوم ریشه در گرایش‌های فطری اولی دارد و اینها عامل مستقلی از عواطف فطری ندارند بلکه رفتارهایی چون احسان که باعث جذب می‌شود، بروزهایی از همان گرایش فطری به احسان است؛ زیرا میل به احسان به دیگری، در انسان،

میل طبیعی خدادادی است. از آنجا که احکام الهی هماهنگ با فطرت انسانی است، در قرآن امر به احسان شده است؛ نه اینکه ارزش احسان یک امر عارضی باشد؛ بنابراین وظیفه فعلیت بخشی به عواطف انسانی، منشأ فطری دارد. به همین جهت در دیدگاه اسلامی، زندگی زوجین باید بر اساس عواطف انسانی طبیعی و فطری مشترک آنان شکل بگیرد. آنان موظف اند که این عواطف را در میان خود به فعلیت برسانند و در حقیقت زندگی انسانی مطلوب و سعادت‌مندانه خودشان را با بروز این عواطف ساماندهی کنند. به‌طور آگاهانه از محور «خود» خارج و به سمت «همسر» معطوف شوند (فقیهی: ۱۳۹۲، ص ۷۷).

نقش وظایف عاطفی در تحقق اهداف تربیتی

تعاملات عاطفی قلبی، کلامی و عملکردی هر فرد، با خدا و دیگر انسان‌ها، نقش بسیار مؤثری در پرورش شخصیت انسانی وی ایفا می‌کند. از این‌رو در اسلام، تعاملات عاطفی مطلوب در همه ابعاد جوانحی و جوارحی، وظیفه شرعی مکلفان دانسته شده است^{۱۳} (کلینی: ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۷۵). فقیه تربیتی با این پیش‌فرض، به استنباط وظایف شرعی می‌پردازد که گستردگی آموزه‌های دینی در زمینه تعاملات عاطفی انسان‌ها^{۱۴} به‌ویژه تعاملات عاطفی زوجین نسبت به هم، از نقش بسیار مهم این تعاملات در رشد شخصیتی آنان حکایت دارد و عمل به وظایف عاطفی شرعی از ناحیه هر یک از افراد، به‌خصوص زوجین، نسبت به همدیگر، زمینه رشد شخصیتی اخلاقی را در آنان فراهم می‌سازد و موجب می‌شود ارتباط‌های طیب^{۱۵} جوانحی و جوارحی مؤمنانه باهم برقرار نمایند و خود را از هر رفتار زشت میرا سازند و حیات طیبه را با یکدیگر تجربه نمایند^{۱۶} (طباطبایی: ۱۳۹۲: ج ۱۵، ص ۹۶). برخی از فقهای معاصر (مکارم شیرازی: ۱۳۸۸، ص ۵۶۰) در برداشت صریح خود از آیه: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم: ۶) می‌نویسد: از آیه به خوبی استفاده می‌شود که انسان در قبال همسر و فرزندان خویش مسئولیت سنگین دارد و موظف است در تعلیم و تربیت آن‌ها بکوشد، آن‌ها را از گناه باز دارد و به نیکی دعوت کند.

پیشینه

در کلمات فقها، گستره وظایف مکلفان، علاوه بر افعال جوارحی، نه تنها افعال جوانحی معرفتی، ایمانی و اعتقادی را در بر گرفته است،^{۱۷} بلکه فعالیت‌های عاطفی را در دو بخش جوانحی و جوارحی شامل می‌شود.

به‌عنوان نمونه، مرحوم فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ ق)، در باب طهارت، به طهارت باطنی پرداخته و عدم طهارت باطنی را معلول سه عامل: گناه اعضا و جوارح، صفات ناشایست قلبی و مشغولیت درون به غیر خدا، مطرح کرده؛ و درباره حکم طهارت معتقد است که وارستگی از قبیح، واجب و طهارت از غیر قبیح، مستحب است (فیض کاشانی: ۱۴۱۸، ص ۴۸) و برای رهایی از صفات ذمیمه قلبی، مظهراتی چون صبر، حلم، کوتاهی‌آمال، اخلاص، صدق، توحید، توکل و... را برمی‌شمارد. حتی در مواردی با صراحت برای افعال جوانحی و قلبی حکم می‌دهد؛ برای نمونه توبه را واجب فوری دانسته (همان: ص ۵۰) و حکم حرام را برای حسادت بیان می‌کند (همان: ص ۶۳).

سید عبدالاعلی سبزواری، در باب امر به معروف، فصلی به نام مبارزه با نفس دارد و اجتناب از صفات ناپسندی مانند حسد، تکبر، تعصب ناحق، بداخلاقی، فخر فروشی، طمع‌ورزی و هواپرستی را واجب دانسته (سبزواری: ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۲۸۳) و نیز، تودد، خوش‌خُلقی، عفو، فرو خوردن خشم، صبر و مدارا با مردم را از وظایف مکلف شمرده است (همان: ص ۲۹۷).

اصولاً رویه فقها این بوده است که به همه وظایف مکلفان بپردازند. به همین جهت شیخ حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ق) در کتاب فقه مأثور یا فقه روایی خودش بنام «وسائل الشیعه» برداشت فقهی خود را به شکل «باب وجوب...» و «باب حرمة...» و مانند آن، عنوان‌گذاری کرده است. وی این روش را درباره رفتارهای قلبی، عاطفی و اخلاقی نیز جاری دانسته و در موارد بسیاری به حرمت صفات و فعالیت‌های درونی مانند حسد، کبر و مانند آن، حکم نموده است (حرعاملی: ۱۴۰۹، ج ۱۵ و ۱۶، «أبواب جهاد النفس و ما یناسبه»).

بنابراین پرداختن به رفتارهای جوانحی عاطفی نیز در دانش فقه سابقه دارد. امروزه دامنه این مباحث در فقه تربیتی باید توسعه یابد.

اما در خصوص وظایف عاطفی زوجین از منظر فقه تربیتی، تاکنون تحقیقی انجام نشده است. در زیر فقط به دو پیشینه که در آن‌ها اشاره‌ای به برخی از مباحث مرتبط با موضوع شده می‌پردازیم:

۱. فقیهی، (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان: «وظایف نگرشی زوجین نسبت به هم از منظر فقه تربیتی» مطرح کرده است که فقه تربیتی جایگاه تبیین وظایف جوارحی و جوانحی است و باید در آن، وظایف نگرشی، عاطفی و عملکردی تعیین تکلیف شوند. در این مقاله تنها، وظایف نگرشی زوجین، شامل: ۱. نگرش انسانی به هم، ۲. مثبت‌نگری و حسن ظن، ۳. نگرش نعمتی کرامتی، ۴. نگرش آرامشی، انسی و مصونیتی به همسر، ۵. نگرش همیاری زوجین به هم در زندگی دنیا و آخرت، ۶. نگرش معنوی به روابط جنسی زن و شوهر، بیان شده است. در این تحقیق، احکام و وظایف نگرشی زوجین که زمینه‌ساز وظایف عاطفی می‌تواند باشد، بیان شده است ولی احکام و وظایف عاطفی آنان مطرح نشده است.

۲. نعمتی پیرعلی، کاردوانی، وکیلی، (۱۳۹۰)، در مقاله «ملازمه تکالیف زوجین و اخلاق مداری در خانواده، در منابع اسلامی»، به مهم‌ترین تکالیف زوجین در خانواده و توصیه‌های اخلاق مدار دین اسلام در انجام دادن این تکالیف پرداخته است و سخنی از عواطف زوجین نشده است.

ملاحظه می‌شود که در این دو تحقیق هم، وظایف عاطفی زوجین از منظر فقه تربیتی تبیین نشده است. پس این پژوهش بدیع و جدید است.

ادله قرآنی وظیفه‌مندی عاطفی زوجین نسبت به یکدیگر

آیات متعددی از قرآن، بر وظیفه‌مندی زن و شوهر نسبت به همدیگر و از جمله وظایف عاطفی

آنان نسبت به هم دلالت دارند.

۱. آیه ۱۸۹ سوره اعراف

آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف: ۱۸۹) حاکی از نحوه خلقت زن و مرد و توانمندی‌هایی است که مایه امنیت و آرامش آنان است و آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ» (روم: ۲۱)، علاوه بر اینکه به ویژگی‌های طبیعی زن و مرد در انجام عواطفی که عامل آرامش آنان می‌شود دلالت دارد، سخن از وظایف مودتی و رحمتی زن و شوهر کرده است؛ یعنی خاستگاه آن جعل تکوینی و فطری، وظیفه‌مندی، به‌ویژه وظیفه‌مندی عاطفی رحمتی و مودتی آنان نسبت به هم است؛ به عبارت دیگر، در این دو آیه آرامش، هدف آفرینش زن و شوهر بیان شده است و در آیه دوم، از توانمندی‌های خدادادی مودتی و رحمتی آنان، سخن به میان آمده است. این بدین معنی است که هریک برای به فعلیت رساندن این توانمندی‌ها در راستای تحقق آن هدف، وظایف مودتی و رحمتی بر عهده دارند. اقتضای حکمت خداوند این است که بیان جعل تکوینی توانمندی‌های مودتی و رحمتی برای زوجین در آیه، بی‌جهت و بدون هدف نباشد بلکه جلب توجه زوجین بر این حقیقت است که آنان، مکلف به شکوفاسازی این توانمندی‌ها در خودشان می‌باشند. لازم به توجه است که مودت، محبت عملی است که اثرش در مقام عمل ظاهر گردد (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۶، ص ۱۷۴) و رحمت، مهربانی جوانحی و جوارحی است که به احسان و انعام به دیگری منتهی می‌شود (راغب، ۱۳۷۳، ص ۱۹۱) و شخص بدون توقع پاداش، به دیگری محبت می‌نماید و نیازش را بر آورده می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۶، ص ۱۷۴). بنابراین زوجین برای تحقق آرامش در زندگی، موظف به مودت و رحمت نسبت به همدیگرند. طرح این دو وظیفه در آیه بر لزوم توجه مهربانانه قلبی زوجین نسبت به هم و صدور افعال مودتی آنان نسبت به یکدیگر دارد مضافاً بر اینکه اگر یکی وظیفه محبت به دیگری را انجام نداد، شایسته است دیگری بدون

چشم داشت وی را مورد محبت قرار دهد و رحمت خود را یک طرفه برای همسرش داشته باشد؛ یعنی اگر یکی به وظیفه‌اش عمل نکرد، از دیگری وظیفه مودتی ساقط نمی‌شود. نکته قابل توجه این است که سکون به مفهوم آرام گرفتن بعد از حرکت است (قرشی: ۱۳۹۱، ج ۸، ص ۱۸۸). پس باید برای رسیدن به سکون و آرامش حرکت و تلاش کرد و دو جمله «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» در آیه، بر نقش آرام‌بخشی همسران بر یکدیگر و لزوم انجام فعالیت‌های آرامش‌بخش مودتی و رحمتی نسبت به همدیگر، دلالت دارد. فعالیت‌های آرام‌بخشی که منشأ آنها، نحوه آفرینش خداوندی است؛ یعنی توانمندی‌هایی که به فعلیت‌رسانی آنها با انجام وظایف عاطفی زوجین برای همدیگر صورت می‌گیرد. این فعالیت‌ها شامل همه افعال محبتی جوانحی درونی مثبت مانند خوش‌خُلُقی، عفو، فروخوردن خشم، صبر و مدارا (سبزواری: ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۲۹۷) و افعال منفی جوانحی مانند حسد، تکبر، تعصب ناحق، بداخلاقی، فخرفروشی، طمع‌ورزی و هواپرستی (سبزواری: ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۲۸۳) است. همچنین شامل همه افعال مودتی جوارحی کلامی و رفتاری زوجین نسبت به هم می‌شود. از این رو است که شیخ حر عاملی، در کتاب فقه روایی خود (وسائل الشیعه، ج ۱۵ و ۱۶) «أبواب جهاد النفس وما يناسبه»، برداشت فقهی خود را از روایات اخلاقی و عاطفی با عنوان‌گذاری برای این روایات به «باب وجوب...» و «باب حرمة...» نام‌گذاری کرده است.

۲. آیه ۶ سوره تحریم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم: ۶) از مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های زن و شوهر نسبت به هم و دیگر اعضای خانواده، مراقبت و مواظبت همه‌جانبه از همدیگر است. خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شامل مرد و زن است و نه تنها شامل زوجین بلکه والدین را هم نسبت به اولادشان شامل می‌شود و امر «قوا» دلالت بر وجوب به‌کارگیری هر تدبیر و تلاش معروفی است که زمینه وقایه از زندگی جهنمی را فراهم

می‌سازد (کلینی: ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۶۲ و بحرانی، ج ۵، ص ۴۲۴)؛ و یکی از مصادیق آن مراقبت و مواظبت عاطفی است (ر.ک؛ مکارم شیرازی: ۱۳۷۷، ج ۲۴، ص ۲۸۸). مؤید این برداشت آیات «قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ * فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ» (طور: آیات ۲۶-۲۷) می‌باشد که انجام وظیفه محبتی و مهربانانه نسبت به خانواده را عامل مصون بودن از عذاب الهی معرفی می‌نماید.

۳. آیه ۱۳۲ سوره طه

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه: ۱۳۲) شأن نزول این آیه در مورد توجه خاص به خانواده برای انجام رفتارهای حسن و عبادت است که بر اساس روایات پیامبر اکرم ﷺ، در طول ۹ ماه به صورت مستمر، نسبت به خانواده‌اش روا می‌داشت (مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۲۲۳) اصطبار به مفهوم وادار کردن خود به صبر و بردباری برای انجام کاری مهم است (سیاح: ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۸۴۷) و به همین مفهوم در قرآن آمده است (قرشی: ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۰۶). جمله «وَأَصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ» در آیه حاکی از آن است که برجستگی و تمایز خانواده به این نیست که پیامبر ﷺ روزی مادی آنان را فراهم سازد و تمام تلاش‌هایش را برای برآوردن نیازهای مالی و تأمین رزق آنان، به کار گیرد؛ زیرا خدا، رزق همگان را بر اساس رحمت عامش، می‌پردازد؛ بلکه وظیفه تشویق شکیبانه به نماز و فراهم‌سازی زمینه برقراری عبودیت و نهادینه‌سازی آن در خانواده که به صبوری و مقاومت مدیر و مسئول خانواده نیازمند است، مورد تأکید آیه است. آنچه روشن است اینکه نهادینه‌سازی عبودیتی، بدون انجام وظایف عاطفی نتیجه بخش نخواهد بود. علاوه بر این، روایاتی که در ذیل این آیه آمده و تشویق بچه‌ها به روزه در سن نه سالگی مطرح شده به این صورت که تا هر وقت که می‌توانند، روزه باشند و اگر تشنگی به آنها فشار آورد، افطار کنند» (کلینی: ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۴۳۲)، بر لزوم انجام عاطفی این وظیفه دلالت دارد. البته آیه اختصاص به خانواده ندارد و به مسئولیت اصلی در تدبیر امور خانواده‌ها، اقوام و

جامعه در نهادینه‌سازی عبودیت اشاره دارد؛ زیرا این مسئولیت، مصداق تعلیم و تزکیه است که هدف پیامبران الهی است و توصیه در این آیه، به همه مسئولان و مدیران در خانواده، اجتماع و روابط بین‌الملل است (طوسی، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۱۹۹).

۴. آیات معاشرت

آیات مربوط به معاشرت معروف که ۱۸ مورد در خصوص معاشرت زوجین است از جمله آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹)، از وظیفه‌مندی در برخورد عاطفی و شایسته با همسر و عدم جواز برخورد ضد عاطفی، اکراهی و تحمیلی حکایت دارند.

کلمه معاشر از باب مفاعله حاکی از رفتار اجتماعی دو طرفه حداقل دو نفر انسان است. در بحث معاشرت به معروف زن و شوهر، بر اساس آیه فوق‌الذکر و آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۲۸) وظایف معاشرتی آنان دوسویه است (طوسی: ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۴-۸). مفسران تصریح کرده‌اند در همه این آیات، امر و جویی به معاشرت به معروف، مانند گشاده‌رویی و محبت شده است و از برقراری رابطه خشن مانند سخن بد گفتن و زدن، نهی گردیده است (طبرسی: ۱۳۷۲، ج ۲ ص ۵۷۵) و آیات متعددی از مصادیق معروف، رفتارهای عاطفی خیر (محمد: ۲۱) و احسان (بقره: ۲۲۹) و از مصادیق ضد معروف، ظلم و تعدی و ضرررسانی (بقره: ۲۲۹) است. این نوع تبیین‌ها حکایت از آن دارد که معاشرت به معروف زوجین بدون انجام وظایف عاطفی، تحقق نمی‌یابد. از این‌رو، در روایات متعددی برای معاشرت معروف، آثار عاطفی مطلوب مانند محبوب شدن پیش اعضای خانواده و جامعه (مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۰۲، ح ۵۸)، مانع دعوا و کشمکش بین آنان (همان: ص ۸۸، ح ۲)، خوش اخلاقی و پاکی نفس (همان: ص ۱۱۴، ح ۷۴) و تزکیه اعمال (همان: ص ۱۳۲، ح ۱۰۰) مطرح گردیده است.

ادله روایی وظیفه‌مندی عاطفی زوجین نسبت به یکدیگر

پیش از اینکه ادله روایی در زمینه وظایف عاطفی زوجین تبیین گردد، لازم است توجه شود: اینکه خطاب برخی روایات، خاص زن و یا شوهر است، نباید چنین تصور کرد که وظیفه‌مندی عاطفی مربوط به یکی از آنان است و دیگری آن وظیفه را ندارد؛ زیرا که اولاً، زن و مرد از ساختار فطری مشترک^{۱۸} (روم: ۲۱)، هدف واحد حیات طیبه^{۱۹} (نحل: ۹۷) و حقوق متقابل^{۲۰} (مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۳۴۸) برخوردارند و زن و شوهر بر اساس توانمندی‌های فطری عاطفی و اوامر و نواهی شرعی، موظف به رفتارهای عاطفی نسبت به هم هستند؛ ثانیاً، روشن است که وقتی در برخی روایات از برخورد خشن شوهر، تهمت زدن (مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۲۴۹)، دادزدن (طبرسی: ۱۴۱۲، ص ۲۱۸)، نهی می‌شود، مرد خصوصیتی ندارد و مسلماً بر زن هم واجب است از این امور ضد عاطفی پرهیز نماید؛ و لذا در روایات دیگری در مورد زنان نسبت به شوهرانشان، از اذیت و ستم (حرعاملی: ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۱۱۶)، غضب (نوری: ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۴۴)، لجاجت و ناشکری از خیرها و محبت‌های شوهر (همان: ص ۱۶۲)، تحمیل به بیش از توانایی شوهر (همان: ص ۲۴۲) و... بازداشته شده‌اند و امر به دوستی و محبت و دلسوزی به شوهر (همان: ص ۲۴۴)، عشق به او (همان: ص ۱۶۱)، کمک به انجام حج و جهاد و دانش‌اندوزی وی (حرعاملی: ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۲۰۱) شده است. اینها هم وظایف اختصاصی زنان محسوب نمی‌شوند. اینک برخی از روایات مستفیضه وارده در این زمینه را که از وظایف عاطفی هریک از زوجین، هماهنگ با فطرت و در جهت اهداف تربیتی خود و همسر حکایت دارند، در سیزده دسته زیر تبیین می‌شود:

دسته نخست: متونی است که برقراری رابطه مطلوب عاطفی زوجین را با درجات ایمان، اخلاق انبیا و محبت اهل بیت علیهم‌السلام پیوند می‌دهند؛ مانند اینکه رابطه همبستگی بین محبت زیاد به زن با ازدیاد ایمان و کسب مراتب بالاتر ایمان، بیان شده است^{۲۱} (حرعاملی: ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۴) و یا محبت به همسر از اخلاق و منش انبیا مطرح گردیده است^{۲۲} (همان: ص ۲۲) و یا شدت محبت نسبت به اولیای دین با شدت محبت همسران نسبت به یکدیگر، به

خصوص محبت مرد نسبت به زن گره زده شده است^{۲۳} (حرعاملی: ۱۴۰۹؛ ج ۲۰، ص ۲۴، ح ۱۲).

به نظر می‌رسد اینکه در روایات بر محبت مرد به زن به‌عنوان وظیفه، بیشتر تأکید شده است، به چند دلیل است: اول، اینکه نگرش منفی جامعه زمان صدور روایات نسبت به زن، تغییر یابد و وی موجودی محترم و لایق محبت، معرفی شود؛ دوم، اکثریت مردان در جامعه که وظیفه عاطفی خودشان را نسبت به همسرانشان انجام نمی‌دادند، متوجه وظیفه خود بشوند؛ سوم، توجه گردد که محبت به زن در استحکام زندگی خانوادگی و دل بستگی زن به شوهر و خانواده‌اش نقش مهمی دارد (فقیهی و نجفی: ۱۳۹۲، ص ۱۱)؛ چهارم، بدانند ایمان و اخلاق فردی بدون انجام وظایف عاطفی، به سعادت فرد در درجات عالی، منتهی نمی‌شود. بنابراین هر یک از زوجین موظف‌اند که با فعالیت‌های عاطفی، زمینه رشد و تعالی ایمان و اخلاق هم‌دیگر را فراهم سازند.

دسته دوم: آموزه‌هایی که در آنها، انجام وظایف عاطفی نسبت به همسر، معیاری برای بهترین افراد در انسانیت و ایمان قلمداد شده است؛ مانند آنچه پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «بهترین شما آدم‌ها، بهترین شما برای همسرانتان هستید و من بهترین شما برای همسرم هستم»^{۲۴} (ابن بابویه: ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۵، ح ۴۹۰۸) و «بدترین مردم کسانی‌اند که با اخلاق بد، بر همسر، تنگ می‌گیرند»^{۲۵} (محمدی ری شهری: ۱۳۸۷، ص ۴۶۵). یا فرمود: «به‌درستی که کامل‌ترین مؤمن از حیث ایمانی کسی است که نیکوترین اخلاق، لطف و مهربانی را با خانواده‌اش داشته باشد»^{۲۶} (پاینده: ۱۳۸۲، ص ۳۳۵). امام سجاده علیه السلام نیز فرمود: «چهار چیز است که اگر در کسی باشد ایمانش کامل می‌گردد؛ یکی از آن‌ها این است که اخلاقش را با اهل و عیالش نیکو سازد»^{۲۷} (مفید: ۱۴۱۳، ص ۲۹۹، ح ۹).

دسته سوم: آموزه‌هایی است که وظایف عاطفی با همسر، بهشتی شدن را برای کسی ضمانت می‌کند که هیچ کار نیک دیگری ندارد؛ مانند اینکه پیامبر ﷺ فرمود: در روز قیامت کسی را می‌آورند که هیچ کار نیکی که امید به بهشت داشته باشد، ندارد؛ پروردگار می‌فرماید:

او چون با خانواده‌اش ارتباط رحیمانه و عاطفی داشته است، بهشتی است^{۲۸} (متقی هندی: ۱۳۹۷: ج ۱۶، ص ۳۷۹). وظیفه تربیتی رفتار رحمتی و برقراری ارتباط مهربانانه با همسر، مدلول روایاتی است که از سیره مستمره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر مهربانی و رفتار رحمتی آن حضرت با عیالش^{۲۹} (سلیمان بن داود بن الجارود: ۱۹۹۹، ص ۲۸۳، ح ۲۱۱۵) است. همچنین روایاتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را مهربان‌ترین مردم با کودکان و خانواده‌اش معرفی می‌کنند^{۳۰} (ابن عساکر: ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۸۸).

دسته چهارم: روایاتی که تأمین نیازهای خود، منوط به انجام وظایف عاطفی نسبت به همسر، دانسته شده است؛ مانند امام صادق علیه السلام که فرمود: شوهر در رابطه با همسرش از سه چیز بی‌نیاز نیست: ۱. همراهی و موافقت با خواسته‌های او تا بدین وسیله همراهی و موافقت و محبت و عشق او را به خود جلب کند؛ ۲. خوش‌خویی با او و دلبری از او با آراستن خود در چشم وی؛ ۳. فراهم آوردن امکانات رفاهی برای او. زن نسبت به شوهر همراه و سازگار خود سه نکته را باید رعایت کند: ۱. حفظ کردن خود از هر گناهی (آلودگی) تا شوهرش در هر حال، خوشایند یا ناخوشایند، در دل به او اطمینان داشته باشد؛ ۲. مراقبت از او و زندگی‌اش تا شوهرش در صورتی که لغزشی از وی سرزند، نسبت به وی عطف و مهربان باشد؛ ۳. با خوش‌زبانی و دلبری و سر و وضع مناسب و خوشایند در نظر او، عشق خود را به او اظهار نماید^{۳۱} (ابن شعبه حرانی: ۱۴۰۴، ص ۳۲۷؛ مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۳۷، ح ۷۰).

دسته پنجم: متون روایی که از منشأ بودن حقوق عاطفی همسر، برای وظایف عاطفی نسبت به وی حکایت دارد؛ مانند امام سجّاد علیه السلام که فرمود: از حقوق همسر مهربانی، مؤانست و مایه آرامش بودن و خاستگاه لذت جنسی است که موظف می‌شوند، با توکل بر قدرت الهی تا هر یک در برآوردن این حقوق برای همسر، جدیت نمایند^{۳۲} (ابن شعبه حرانی: ۱۴۰۴: ص ۲۶۸). یا مصونیت همسر از رفتارهای ضد عاطفی همسر، به‌عنوان حق طبیعی او شمرده شده است؛ مانند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که به یکی از زنان فرمود: حق تو بر شوهرت این است که از آنچه خود می‌خورد به تو غذا دهد و از آنچه خود می‌پوشد تو را نیز بیوشاند و به روی تو سیلی نزند

و فریاد نکشد^{۳۳} (طبرسی: ۱۴۱۲، ص ۲۱۸) و یا توصیه‌های مستمر خدا به وسیله جبرئیل بر بهترین رابطه عاطفی با زن به گونه‌ای که حتی به او اف گفته نشود^{۳۴} (نوری: ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۲) و نیز پیامبر خدا ﷺ درباره حق مرد بر زن می‌فرمایند: حق مرد بر زن این است که زن ملازم خانه او باشد و به شوهرش دوستی و محبت و دلسوزی کند و از خشم وی دوری گزیند و آنچه را مورد رضایت اوست انجام دهد و به پیمان و وعده وی وفادار باشد^{۳۵} (همان: ص ۲۴۴).

دسته ششم: متون روایی که رابطه عاطفی نسبت به همسر، میمون و زینت و رابطه خشونت‌ی نسبت به همسر، شوم، بدبختی و زشت تلقی شده است؛ مانند پیامبر خدا ﷺ که می‌فرمایند: «ارتباط رفقی و مدارا زینت بخش ایمان آدمی است و خشونت و به هم زدن ارتباط صمیمی، شوم و بدبختی است. هرگاه خدا برای خانواده‌ای خیر بخواهد، مواجبه ملایمت‌آمیز را نصیبتان می‌کند، زیرا ملایمت هیچ‌گاه با هیچ چیز همراه نمی‌شود مگر این که آن چیز را زینت می‌بخشد و خشونت هرگز با چیزی همراه نمی‌شود مگر این که آن چیز را زشت می‌کند»^{۳۶} (محمدی ری شهری: ۱۳۸۷، ص ۲۱۸).

رفق به مفهوم مدارا و برخورد نرم و خرق به معنی پاره کردن ارتباط صمیمی است (طریحی، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۱۷۱). در حدیث جنود عقل و جهل، رفق و مدارا از ویژگی‌های عقل و خرق و پاره کردن ارتباط صمیمی، حماقت و از ویژگی‌های جهل شمرده شده است (کلینی: ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۱). اهمیت رفق و نقش مهم آن در ایمان عملی، موجب شده که کلینی در اصول کافی (ج ۲، ص ۹۷) در بخش الایمان و الکفر، بابی را به‌عنوان «باب الرفق» اختصاص دهد. روشن است که بر اساس روایت فوق الذکر، هریک از زوجین وظیفه دارند مدارا را به‌عنوان رفتار عاقلانه که زینت ایمان آنان است و باعث خوشبختی آنان می‌شود، انجام دهند و از رفتار جاهلانه و به هم زدن ارتباط عاطفی که باعث بدبختی آنان می‌شود، پرهیز کنند.

دسته هفتم: متون روایی که با تبیین نحوه عملکردهای عاطفی اسوه‌های معصوم ﷺ، زوجین به الگوگیری در وظایف عاطفی از آنان ترغیب می‌شوند؛ مانند امام علی ﷺ که فرمود: به خدا سوگند که هرگز بر فاطمه ﷺ، غضب نکردم و او را به کاری مجبور نساختم، تا آن که

خداوند عزوجل او را به نزد خویش بُرد و او نیز مرا خشمگین نساخت و هرگز برخلاف خواست من عمل نکرد و من هرگاه به او نگاه می‌کردم، غصّه‌ها و اندوه‌هایم برطرف می‌شد^{۳۷} (اربلی: ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۶۳).

دسته هشتم: متون روایی که از تأثیر پایدار روانی شخصیتی رابطه عاطفی بر همسر حکایت دارد؛ مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که می‌فرمایند: این گفتار مرد به همسرش که «من تو را دوست دارم»، هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود^{۳۸} (حرعاملی: ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۳).

دسته نهم: روایاتی است که در آنها، زوجین از رفتارهای ضد عاطفی نسبت به هم، باز داشته شده‌اند و نسبت به پیامدهای عذابی این عملکردها در آخرت، هشدار داده شده است؛ مانند پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: هر زنی، که شوهرش را آزار دهد، اگر تمام عمرش را روزه بگیرد و شب‌ها عبادت کند و بنده‌ها آزاد نماید و مال‌ها در راه خدا انفاق کند، خداوند هیچ نماز و کار نیکی را از او نمی‌پذیرد تا آنگاه که به شوهرش کمک کند و او را از خود راضی نماید وگرنه آن زن اولین کسی است که به جهنم می‌رود. سپس فرمودند: مرد، هم اگر همسر خود را اذیت کند یا به او ظلم نماید، چنین گناه و عذابی خواهد داشت^{۳۹} (ابن بابویه: ۱۴۰۶، ص ۳۳۵، ح ۱). پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: هر کس به صورت زنش سیلی بزند، خداوند به آتشبان جهنم دستور می‌دهد تا در آتش جهنم هفتاد سیلی بر صورت او بزند^{۴۰} (نوری: ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۰).

دسته دهم: روایاتی است که پرهیز از خشونت و دست‌درازی و اهانت و ظلم به همسر به‌عنوان معیار خوبی همسر تبیین شده است؛ مانند امام صادق علیه السلام که فرمود: بهترین مردان امت من کسانی هستند که نسبت به خانواده خود دست‌درازی و تعدی نکنند، دلسوزشان باشند و به آنان ظلم ننمایند^{۴۱} (طبرسی: ۱۴۱۲، ص ۲۱۶).

دسته یازدهم: روایاتی است که در آنها به ایجاد انگیزه برای تلاش در جهت رضایت‌مندی همسر پرداخته شده است؛ مانند پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: هر زنی، از دنیا برود و شوهرش از او راضی باشد، به بهشت می‌رود^{۴۲} (پاینده: ۱۳۸۲، ص ۳۵۹، ح ۱۰۲۲).

دسته دوازدهم: روایاتی است که در آنها مردان موظف شده‌اند تا با همسران خود رابطه

خیری، عاطفی مستمر برقرار نمایند؛ مانند پیامبر ﷺ که فرمود: «اِسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا» (مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۶۲۸، ح ۷۴۴).

با توجه به اینکه در مصباح المنیر (۱۳۴۷، ج ۲، ص ۳۸۳) وصایت به مفهوم استعطف و زمین پرسبزه است که تا چشم کار می‌کند سرسبز است، منظور از «اِسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا» تعیین وظیفه مردان نسبت به زنان به برقراری رابطه خیری، عاطفی مستمری است که همه تذکرها، مواجهه‌ها و رفتارها، به نیکی و خوبی انجام شود؛ به گونه‌ای که سراسر زندگی آنان سرسبز و پر نشاط، باشد.

دسته سیزدهم: آموزه‌هایی است که مصادیق رفتارهای نیکو برای برقراری رابطه عاطفی زوجین تبیین شده است. این مصادیق عبارت‌اند از:

۱. از مصادیق وظایف عاطفی، حفظ کرامت همسر و احترام گذاشتن به او است^{۴۳} (نوری: ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۴۱۲) و احترام‌کنندگان به همسر را بهترین افراد امت اسلامی نامیده‌اند^{۴۴} (متقی هندی: ۱۳۹۷: ج ۱۵، ص ۸۳۵). آن مایه تقرب به خدا دانسته شده است^{۴۵} (حرعاملی: ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۳۱۱، ح ۶). رسول اکرم ﷺ، خودشان همسرانشان را گرامی می‌داشتند و می‌فرمودند: من بهترین شما از نظر رفتار نیک به خانواده هستم توجه شود کسی که خود با شخصیت و محترم است به همسر احترام می‌گذارد و جز لثیم به همسر اهانت نمی‌کند^{۴۶} (متقی هندی: ۱۳۹۷: ج ۱۶، ص ۳۷۱، ح ۴۴۹۴۳).

۲. وظیفه همکاری کردن در تمام امور دنیوی و اخروی با همسر که خود از پیامدهای صالح بودن انسان، است^{۴۷} (راوندی: ۱۴۰۷، ص ۴۰، ح ۹۷).

۳. رفتار نیکو با همسر داشتن^{۴۸} (محمدی ری شهری: ۱۳۸۷، ص ۲۱۰). در روایات مصادیق زیادی از نیک‌رفتاری با همسر بیان شده است نظیر خوشحال کردن^{۴۹} (متقی هندی: ۱۳۹۷: ج ۱۶، ص ۷۰۸، ح ۱۷۵۰۸)، هدیه دادن^{۵۰} (همان: ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۴۴۹۴۳)، خرید نیازهای همسر^{۵۱} (حرعاملی: ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۵۴۳)، خرید میوه‌های تازه هر فصل^{۵۲} (کلینی: ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۲)، خرید سوغاتی^{۵۳} (حرعاملی: ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۴۵۹)، کوشش برای رفاه همسر^{۵۴} (مجلسی: ۱۴۰۳،

ج ۱۰۱، ص ۷۲)، آب دادن به همسر^{۶۵} (حرعاملی: ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۷۲)، لقمه در دهان همسر گذاشتن^{۶۶} (فیض کاشانی: ۱۳۸۳: ج ۳، ص ۷۰)، خدمت‌رسانی همه‌جانبه به همسر و پرهیز از فاصله گرفتن از وی^{۶۷} (نوری: ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۴)، به استقبال همسر رفتن و بدرقه کردن وی^{۶۸} (حرعاملی: ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۲)، آراستگی برای همدیگر^{۶۹} (دیلمی: ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۵۲۱، ح ۱۸۹۵۳)، سر یک سفره با هم غذا خوردن^{۷۰} (محمدی ری شهری: ۱۳۸۷، ص ۲۳۰)، نشستن در کنار هم^{۷۱} (ابن ابی فراس: ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۲).

همچنین در روایات از مصادیق زیادی از رفتارهای بد که ضد وظایف عاطفی است، پرهیز داده شده است. نظیر سخت‌گیری^{۷۲} (مجلسی: ۱۴۰۳: ج ۷۳، ص ۳۶۷، ح ۳۰)، آزار دادن^{۷۳} (همان: ص ۳۶۵، ح ۳۰)، دست‌درازی^{۷۴} (نوری: ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۵۰، ح ۱۶۶۱۹)، خیانت^{۷۵} (ابن بابویه: ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۶۵، ح ۵۷۶۲)، ستمگری^{۷۶} (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۲۹)، تهمت زدن^{۷۷} (مجلسی: ۱۴۰۳: ج ۱۰۰، ص ۲۴۹، ح ۳۷)، ناسزاگویی^{۷۸} (مجلسی: ۱۴۰۳: ج ۶۹، ص ۱۱۵)، تنها غذا خوردن و با همسر سر سفره حاضر نشدن^{۷۹} (همان: ج ۶۹، ص ۱۱۴؛ ج ۶۳، ص ۳۴۷)، نپذیرفتن عذر همسر و نبخشیدن خطا^{۸۰} (طبرسی: ۱۴۱۲، ص ۲۰۲) و انجام کارهای زشت دیگر^{۸۱} (ابن شعبه حرانی: ۱۴۰۴: ص ۹۴)، خوابیدن در خانه دیگری غیر از خانه همسر^{۸۲} (حرعاملی: ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۷۱)، نسبت ناروادادن^{۸۳} (مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹) و انجام کارهای زشت دیگر (ابن شعبه حرانی: ۱۴۰۰: ص ۹۴) مانند خودآرائی برای غیر همسر^{۸۴} (مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۳۵) که مکلفان از آنها پرهیز داده شده‌اند.

نتیجه

مسئله تحقیق، تبیین وظایف عاطفی زوجین از منظر فقه تربیتی بود. در این تحقیق روشن شد که استنباط وظایف مکلفان در حیطه‌های تربیتی، به عهده فقیه تربیتی است که با نگاه تربیتی مبنی بر اینکه تمام وظایف شرعی اعم از جوانحی و جوارحی هدفمند بوده و دارای نقش تربیتی‌اند و همه آنها، بستر را، برای تغییرات تدریجی رشدی مکلف فراهم می‌سازند و از

آسیب‌های تربیتی و متعارض با سعادت انسانی پیشگیری می‌نمایند. همچنین مدلول آیات قرآن^{۷۵} (احزاب: ۷۲)،^{۷۶} (مؤمنون: ۱۱۵؛ قیامت: ۳۶)، بر هدفمندی تکالیف شرعی و هماهنگی آنها با فطرت انسانی به‌عنوان مبنای اصلی فقه تربیتی تبیین گردید. نظر فقها و اصولیین، بر هدفمندی وظایف شرعی و تابعیت احکام از مصالح و مفاسد نیز ارائه شد (شهید ثانی: بی‌تا، ص ۲۱۹؛ نجفی: ۱۳۶۲، ج ۲۲، ص ۳۴۴؛ آخوند خراسانی: ۱۴۰۹، ص ۳۶۴). نظر فقها (فیض کاشانی: ۱۴۱۸، ص ۴۸؛ سبزواری: ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۲۸۳) مبنی بر اینکه افعال جوانحی و جوارحی عاطفی نیز در گستره وظایف مکلفان است و مهم‌ترین نقش را در تربیت و بسترسازی برای سعادت انسان به‌ویژه زوجین ایفا می‌کنند (مکارم شیرازی: ۱۳۸۸، ص ۵۶۰). مورد توجه قرار گرفت. دلالت آیات متعددی از قرآن بر وظایف عاطفی زوجین مطرح گردید مانند آیه ۱۸۹ اعراف که برای تحقق آرامش در زندگی، موظف به توجه مهربانانه قلبی نسبت به هم و انجام افعال جوانحی و جوارحی مودتی و حتی بدون چشم‌داشت از دیگری، شده‌اند؛ و یا در آیه ۶ تحریم که با امر «قوا» و جوب به‌کارگیری تدابیر و کوشش‌های معروف و از جمله مراقبت‌های عاطفی که زمینه وقایع از وقوع در جهنم را فراهم می‌سازد، مطرح ساخته است.

آیه ۱۳۲ طه که با توجه به شأن نزول که در مورد توجه خاص به خانواده برای انجام رفتارهای حسن و عبادت است (کُلینی: ۱۴۰۷، ج ۳، ح ۵۴۳۲)؛ بر لزوم انجام افعال عاطفی در جهت نهادینه‌سازی عبودیتی، تأکید شده است.

همچنین آیات مربوط به معاشرت معروف که ۱۸ مورد در خصوص معاشرت زوجین است، دلالت آنها بر وظیفه‌مندی زوجین در مواجهه عاطفی و شایسته با یکدیگر و عدم جواز برخورد ضد عاطفی، اکراهی و تحمیلی بیان گردید.

از دیگر نتایج این تحقیق دستیابی به اینکه محتوای متون روایی، در زمینه وظایف عاطفی زوجین بسیار متنوع بوده است. در این روایات، بر پیوند انجام این وظایف با درجات ایمان، محبت اهل‌البيت علیهم‌السلام، بهترین انسان مؤمن بودن، پیروی از رویه خُلُقی انبیا و اولیای الهی، عامل بهشت رفتن، وظیفه‌مندی تأمین نیازهای خود به‌وسیله آنها، حق همسر دانستن و بر

تأثیر این وظایف بر تسخیر دل همسر و پایداری روانی شخصیتی وی، تأکید شده است. مصادیق رفتارهای نیکو مانند حفظ کرامت همسر، همکاری در تمام امور دنیوی و اخروی با وی، هدیه دادن، خرید نیازهای وی، آراستگی برای همدیگر، نشستن در کنار هم، سر یک سفره باهم غذا خوردن در جهت برقراری رابطه عاطفی زوجین ارائه شده است. زوجین نیز از رفتارهای بدی مانند سخت‌گیری، آزار دادن، دست‌درازی، خیانت، ستمگری، تهمت، ناسزاگویی، خوابیدن در خانه دیگری غیر از خانه همسر و انجام کارهای زشت دیگر که ضد وظایف عاطفی است، پرهیز داده شده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ».

۲. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا؛ «أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى».

۳. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ «لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ».

۴. قال رسول الله ﷺ: «لَا كُفْلُكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالْأَمِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ».

۵. «يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِي التَّوَاصُلِ وَ التَّعَاوُنُ عَلَى التَّعَاوُنِ وَ الْمُوَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَ تَعَاوُفٌ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹)» (كليني: ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۴۰، ح ۴).

۶. نمونه آیات قرآنی دال بر هدفمندی احکام الهی

(الف) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۳).
(ب) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۹۰).

(ج) «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه: ۱۰۳).

(د) «وَلَا تَقْرَبُوا الرِّزْيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا» (اسراء: ۳۲).

(هـ) «أَتَلَّ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنكبوت: ۴۵).

۷. نمونه روایات دال بر هدفمندی احکام الهی

(الف) «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: حَظَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي حَبَّةِ الْوَدَاعِ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ وَ اللَّهُ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَ قَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ

إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ أَلَا وَإِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينَ نَفَثَ فِي رُوعِي أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمِلَ رِزْقَهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ وَلَا يَحْمِلُ أَحَدُكُمْ سَبِيظًا شَيْءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ يَطْلُبَهُ بِغَيْرِ حِلِّهِ فَإِنَّهُ لَا يُدْرِكُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ» (كلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۴).

ب) «أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام كَتَبَ إِلَيْهِ بِمَا فِي هَذَا الْكِتَابِ جَوَابَ كِتَابِهِ إِلَيْهِ يَسْأَلُهُ عَنْهُ جَاءَنِي كِتَابُكَ تَذَكُّرٌ أَنَّ بَعْضَ أَهْلِ الْقَبِيلَةِ يَزْعُمُ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُحِلَّ شَيْئًا وَ لَمْ يُحَرِّمْهُ لِعَلَّةٍ أَكْثَرَ مِنَ التَّعْبُدِ لِعِبَادِهِ بِذَلِكَ قَدْ ضَلَّ مَنْ قَالَ ذَلِكَ ضَلَالًا بَعِيدًا وَ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا لِأَنَّهُ لَوْ كَانَ كَذَلِكَ لَكَانَ حَاجِزًا أَنْ يَسْتَعْبِدَهُمْ بِتَحْلِيلِ مَا حَرَّمَ وَ تَحْرِيمِ مَا أَحَلَّ حَتَّى يَسْتَعْبِدَهُمْ بِتَرْكِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ أَعْمَالِ الْبِرِّ كُلِّهَا وَ الْإِنْكَارِ لَهُ وَ لِرُسُلِهِ وَ كُتُبِهِ وَ الْحُجُودِ بِالرَّنَا وَ السَّرِقَةِ وَ تَحْرِيمِ ذَوَاتِ الْمَحَارِمِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنَ الْأُمُورِ الَّتِي فِيهَا فَسَادُ التَّدْبِيرِ وَ فَنَاءُ الْحُلُقِ إِذِ الْعَلَّةُ فِي التَّحْلِيلِ وَ التَّحْرِيمِ التَّعْبُدُ لَا غَيْرُهُ فَكَانَ كَمَا أَبْطَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ قَوْلَ مَنْ قَالَ ذَلِكَ أَنَّا وَجَدْنَا كُلَّ مَا أَحَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِيهِ صَلَاحُ الْعِبَادِ وَ بَقَاؤُهُمْ وَ لَهُمْ إِلَيْهِ الْحَاجَةُ الَّتِي لَا يَسْتَعْنُونَ عَنْهَا وَ وَجَدْنَا الْمُحَرَّمَ مِنَ الْأَشْيَاءِ لَا حَاجَةَ لِلْعِبَادِ إِلَيْهِ وَ وَجَدْنَا مُفْسِدًا دَاعِيًا إِلَى الْفَنَاءِ وَ الْهَلَاكِ ثُمَّ رَأَيْنَا تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ أَحَلَّ بَعْضَ مَا حَرَّمَ فِي وَقْتِ الْحَاجَةِ لِمَا فِيهِ مِنَ الصَّلَاحِ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ نَظِيرَ مَا أَحَلَّ مِنَ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ» (مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۹۳).

۸. نمونه ادله عقلی دال بر هدفمندی احکام الهی

الف) خداوند حکیم بی نیاز است و اقتضای حکمت الهی این است که همه افعال تکوینی و اوامر و نواهی تشریحی خداوند هدفمند است. چون خداوند عزوجل، بی نیاز مطلق است؛ این هدف معطوف به انسان است. با عمل به اوامر خداوند، انسان به نتایج ارزشمندی می رسد که از آن به مصالح تعبیر می شود و با ترک نواهی، انسان از مفاسد و نتایج ضد ارزشی مصون می ماند و مانع شقاوت مندی خود می گردد.

ب) لازمه عدم هدفمندی احکام الهی، لغو بودن اوامر و نواهی خداوندی است. درحالی که صدور کار لغو از خداوند محال است.

ج) ترجیح بلا مرجح، معقول نیست. لازمه عدم هدفمندی احکام الهی ترجیح، بلا مرجح است؛ زیرا که اگر امر و وجوبی به یک عمل و نهی تحریمی از یک عمل بدون هدف معینی صورت گرفته باشد؛ می تواند جای امر و نهی عوض شود یعنی آنچه واجب شده حرام اعلام شود و آنچه حرام بوده واجب مطرح گردد. درحالی که شارع بر هر یک از امر و نهی خود تأکید دارد و مکلف مجاز نیست آنچه نهی شده را مرتکب شود و آنچه امر شده را ترک نماید.

۹. «أَحْمَدُهُ عَلَى عَوَاطِفِ كَرَمِهِ».

۱۰. «فَلَا تُخَلِّينِي فِي الْآخِرَةِ عَنْ عَوَاطِفِ رَأْفَتِكَ» و «اللَّهُمَّ مَعَ ذَلِكَ مِنْ عَوَاطِفِ رَأْفَتِكَ» (ابن طاووس):

۱۴۱۱، ص ۵۰).

۱۱. «وَعَوَاطِفَ زَوَاكِي رَحْمَتِكَ».

۱۲. مصباح یزدی: ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۲۸

۱۳. به عنوان نمونه به سه روایت زیر توجه شود:

(الف) «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: تَوَاصَلُوا وَتَبَاؤُوا وَتَرَاحَمُوا وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ».

(ب) «مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ تَوَاصَلُوا وَتَبَاؤُوا وَتَرَاحَمُوا وَتَعَاطَفُوا».

(ج) «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِي التَّوَاصُلِ وَالتَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ وَ الْمُوَاسَاةِ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَتَعَاطُفٍ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ رَحَمَاءَ بَيْنَهُمْ مُتَرَاحِمِينَ مُعْتَمِدِينَ لِمَا غَابَ عَنْكُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ مَعْشَرُ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص».

۱۴. به عنوان نمونه: امیرالمؤمنین عليه السلام در خطبه نماز عید فطر در جمع مردم آنان را به رفتار عاطفی امر می کند و می فرماید: «بر اساس نیکی و تقوا، با یکدیگر همکاری داشته باشید و با همدیگر با مهربانی و عطف رفتار کنید» (مجلسی: ۱۴۰۳: ج ۹۱، ص ۳۱، ح ۸). امام باقر عليه السلام خطاب به عموم مؤمنان می فرماید: «ای مردم مؤمن، همدم یکدیگر باشید و با الفت، عطف و مهربانی با هم رفتار نمایید» (مجلسی: ۱۴۰۳: ج ۷۵، ص ۱۸۷، ح ۶). یا می فرماید: «خداوند دستور داده که با هم مهربان باشید و به همدیگر نیکی کنید و با روی خوش با هم مواجه شوید» (مجلسی: ۱۴۰۳: ج ۳۳، ص ۵۶۷، ح ۷۲۲).

۱۵. «وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ» (حج: ۲۴).

۱۶. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷).

۱۷. ر.ک: به «الهداية في الأصول والفروع، شيخ صدوق: ج ۱، ص ۵ و المقنعه شيخ مفيد: ص ۳۳ و

منهاج الصالحين، سيد محسن حكيم: ج ۱، ص ۹، مسئله ۱۷

۱۸. «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا».

۱۹. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا

يَعْمَلُونَ».

۲۰. «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقًّا».

۲۱. «قَالَ الصَّادِقُ ع: الْعَبْدُ كُلَّمَا أَرَادَ لِلنِّسَاءِ حُبًّا أَرَادَ فِي الْإِيمَانِ فَضْلًا».

۲۲. «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ حُبُّ النِّسَاءِ».

٢٣. «كُلٌّ مِّنِ امْتَدَدٍ لَّنَا حَيًّا امْتَدَدٌ لِلنِّسَاءِ حَيًّا».
٢٤. «خَيْرِكُمْ خَيْرِكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرِكُمْ لِأَهْلِي».
٢٥. «شَرُّ النَّاسِ الصَّبِيُّ عَلَى أَهْلِهِ».
٢٦. «إِنَّ مِنْ أَكْمَلِ الْمُؤْمِنِينَ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَالْأَطْفَهْمُ بِأَهْلِهِ».
٢٧. «مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلُ إِيْمَانِهِ ... حَسَنَ خُلُقِهِ مَعَ أَهْلِهِ».
٢٨. «يُوتَى بِالرَّجُلِ مِنْ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَا لَهُ مِنْ حَسَنَةٍ تُرْجَى لَهُ الْجَنَّةُ، فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى: أَدْخِلُوهُ الْجَنَّةَ، فَإِنَّهُ كَانَ يَرْحَمُ عِيَالَهُ».
29. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَحِيمًا بِالْعِيَالِ».
٣٠. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ أَرْحَمِ النَّاسِ بِالصَّبِيَّانِ وَ الْعِيَالِ».
٣١. «لَا غِنَى بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ وَ هِيَ الْمُوَافَقَةُ لِيَجْتَلِبَ بِهَا مُوَافَقَتَهَا وَ مَحَبَّتَهَا وَ هَوَاهَا وَ حُسْنَ خُلُقِهِ مَعَهَا وَ اسْتِعْمَالُهُ اسْمَ مَالِهِ قَلْبًا بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا وَ تَوْسِعَتُهُ عَلَيْهَا وَ لَا غِنَى بِالزَّوْجَةِ فِيمَا بَيْنَهَا وَ بَيْنَ زَوْجِهَا الْمُوَافِقِ لَهَا عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ وَ هُنَّ صِيَانَةُ نَفْسِهَا عَنْ كُلِّ دَنَسٍ حَتَّى يَطْمَئِنَّ قَلْبُهُ إِلَى الثَّقَةِ بِهَا فِي حَالِ الْمَحْبُوبِ وَ الْمَكْرُوهِ وَ حِيَاطَتُهُ لِيَكُونَ ذَلِكَ عَاطِفًا عَلَيْهَا عِنْدَ زَلَّةٍ تَكُونُ مِنْهَا وَ إِظْهَارِ الْعَشَقِ لَهُ بِالْخِلَابَةِ وَ الْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ لَهَا فِي عَيْنِهِ».
٣٢. «فَإِنَّ لَهَا حَقَّ الرَّحْمَةِ وَ الْمَوَانَسَةِ وَ مَوْضِعَ السُّكُونِ إِلَيْهَا قَضَاءُ اللَّذَّةِ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا وَ ذَلِكَ عَظِيمٌ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».
٣٣. «قَالَ حَقِّكَ عَلَيَّ أَنْ يُطْعِمَكَ مِمَّا يَأْكُلُ وَ يَكْسُوكَ مِمَّا يَلْبَسُ وَ لَا يَلْطَمُ وَ لَا يَصِيحُ فِي وَجْهِكَ».
٣٤. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَخْبَرَنِي أَخِي جَبْرِئِيلُ وَ لَمْ يَزَلْ يُوصِينِي بِالنِّسَاءِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنْ لَا يَحِلَّ لِرِزْوَجِهَا أَنْ يَقُولَ لَهَا أَف».
٣٥. «لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزَمَ بَيْنَهُ وَ تَوَدَّدَهُ وَ تُحِبَّهُ وَ تُسَفِّقَهُ وَ تُجْتَنِبَ سَخَطَهُ وَ تَتَّبِعَ مَرْضَاتَهُ وَ تُوفِّيَ بَعْدَهُ وَ وَعْدَهُ».
٣٦. «الرَّفْقُ يُمْنُ، وَ الْحُرْقُ سُومٌ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا أَدْخَلَ عَلَيْهِمُ الرَّفْقَ، فَإِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا زَانَهُ وَ إِنَّ الْحُرْقَ لَمْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا شَانَهُ».
٣٧. «فَوَ اللَّهُ مَا أَغْضَبْتُهَا وَ لَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَ لَا أَغْضَبْتَنِي وَ لَا عَصْتَنِي لِي أَمْرًا وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنْكَشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَ الْأَحْزَانُ».
٣٨. «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنَّي أَحْبَبْتُكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا».
٣٩. «مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَ لَا حَسَنَتَهُ مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِينَهُ وَ تُرْضِيَهُ وَ إِنْ صَامَتْ

الدَّهْرَ وَ قَامَتِ اللَّيْلُ وَ اعْتَمَتِ الرَّقَابُ وَ انْفَقَتِ الْأَمْوَالُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ ثُمَّ قَالَ وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرُ وَ الْعَذَابُ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيَا ظَالِمًا».

۴۰. «فَأَيُّ رَجُلٍ لَطَمَ امْرَأَتَهُ لَطْمَةً أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَالِكًا خَازِنَ النَّيْرَانِ فَيَلْطِمُهُ عَلَى حُرٍّ وَجْهَهُ سَبْعِينَ لَطْمَةً فِي نَارِ جَهَنَّمَ».

۴۱. «خَيْرُ الرَّجَالِ مَنْ أُتِيَ الذَّيْنُ لَا يَتَطَاوَلُونَ عَلَى أَهْلِيهِمْ وَ يَحْتُونُ عَلَيْهِمْ وَ لَا يَظْلِمُونَهُمْ».

۴۲. «أَيُّمَا امْرَأَةٍ مَاتَتْ وَ زَوْجُهَا عَنْهَا رَاضٍ دَخَلَتْ الْجَنَّةَ».

۴۳. «مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيُكْرِمْهَا».

۴۴. «أَلَا اخْبِرْكُمْ بِخِيَارِكُمْ؟ ... وَ أَكْرَمَ زَوْجَتَهُ إِذَا قَدَّرَ».

۴۵. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَشَدُّكُمْ إِكْرَامًا لِحِلَالِهِمْ».

۴۶. «... وَ أَنَا خَيْرِكُمْ لِأَهْلِي. مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ وَ مَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَيْمٌ».

۴۷. «مَنْ أُعْطِيَ لَهُ حَمْسًا لَمْ يَكُنْ لَهُ عُذْرٌ فِي تَرْكِ عَمَلِ الْآخِرَةِ: زَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ دُنْيَاةٍ وَ آخِرَتِهِ...».

۴۸. «الْمَخْلُقُ عِيَالٌ لِلَّهِ، فَأَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ أَحْسَنَ إِلَى عِيَالِهِ».

۴۹. «مَنْ أَدَخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ سُرُورًا، خَلَقَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ خَلْقًا يَسْتَعْفِرُونَ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

۵۰. «... فَلْيَرْجِعْ إِلَى أَهْلِهِ بِهَدِيَّةٍ...» همچنین پیامبر خدا ﷺ فرمود: «مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تُحْفَةً

فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ، كَانَ كَحَامِلِ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِيحٍ...» (حراملی: ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۵۱۴).

۵۱. امام سجاده علیه السلام: «لَأَنَّ أَدْخَلَ السُّوقَ وَ مَعِيَ (دَرْهَمٌ أَتْبَاعُ بِهِ) لَحْمًا لِعِيَالِي وَ قَدْ قَرِمُوا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ نَسَمَةً».

۵۲. «... وَ لَا تَكُونُ فَأَكْهَةً عَامَّةً إِلَّا أَطْعَمَ عِيَالَهُ مِنْهَا وَ لَا يَدَعُ أَنْ يَكُونَ لِلْعِيْدِ عِنْدَهُمْ فَضْلٌ فِي الطَّعَامِ أَنْ يُسْتَبَى مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا لَا يُسْتَبَى لَهُمْ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ».

۵۳. «إِذَا سَافَرَ أَحَدُكُمْ فَقَدِمَ مِنْ سَفَرِهِ فَلْيَأْتِ أَهْلَهُ بِمَا تَبَسَّرَ».

۵۴. «وَ الْكَادُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حِلٍّ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».

۵۵. «مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهَا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةِ صِيَامٍ نَهَارَهَا وَ قِيَامٍ لَيْلَهَا وَ يَبْنِي اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ شَرْبَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ - وَ غَفَرَ لَهَا سِتِّينَ حَطِيئَةً».

۵۶. «إِنَّ الرَّجُلَ لَيُوجِرُ فِي رَفْعِ اللَّقْمَةِ إِلَى فِي امْرَأَتِهِ».

۵۷. «حَقُّ الرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ إِنَارَةُ السَّرَاجِ وَ إِصْلَاحُ الطَّعَامِ وَ أَنْ تَسْتَقْبِلَهُ عِنْدَ بَابِ بَيْتِهَا فَتَرْحَبَ وَ أَنْ تَقْدِّمَ إِلَيْهِ الطَّسْتَ وَ الْمُنْدِيلَ وَ أَنْ تُوضِّئَهُ وَ أَنْ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ».

۵۸. مردی خدمت رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: همسری دارم که هرگاه وارد خانه می‌شوم به استقبال می‌آید و چون از خانه بیرون می‌روم بدرقه‌ام می‌کند و زمانی که مرا اندوهگین می‌بیند، می‌گوید: اگر برای رزق و روزی [و مخارج زندگی] غصه می‌خوری، بدان که خداوند آن را به عهده گرفته است و اگر برای آخرت خود غصه می‌خوری، خدا اندوهت را زیاد کند [و بیشتر به فکر آخرت باشی] رسول خدا ﷺ فرمودند: «إِنَّ لِلَّهِ عُمَّالًا وَ هَذِهِ مِنْ عَمَالِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ»؛ برای خدا کارگزارانی [در روی زمین] است و این زن یکی از کارگزاران خداست که پاداش او برابر با نیمی از پاداش شهید است.

۵۹. «يَجِبُ عَلَى الرَّجُلِ لِامْرَأَتِهِ مَا يَجِبُ لَهُ عَلَيْهَا؛ أَنْ يَتَزَيَّنَ لَهَا كَمَا تَتَزَيَّنُ لَهُ فِي غَيْرِ مَا تَمُّ»؛ امام باقر عليه السلام نیز فرمودند: «النِّسَاءُ يُحِبُّنَ أَنْ يَرَيْنَ الرَّجُلَ فِي مِثْلِ مَا يُحِبُّ الرَّجُلُ أَنْ يَرَى فِيهِ النِّسَاءَ مِنَ الرِّبَاةِ» (طبرسی: ۱۴۱۲، ص ۸۰).

۶۰. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ وَ يُحِبُّ أَهْلَهُ وَوُلْدَهُ وَ أَحَبُّ شَيْءٍ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَرَى الرَّجُلَ مَعَ امْرَأَتِهِ وَ وُلْدِهِ عَلَى مَائِدَةٍ يَأْكُلُونَ فَإِذَا اجْتَمَعُوا عَلَيْهَا نَظَرَ إِلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ لَهُمْ فَيَغْفِرُ لَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَفَرَّقُوا مِنْ مَوْضِعِهِمْ».

۶۱. «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا».

۶۲. «وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ وَ احْتَسَبَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ مَرَّةٍ يَصْبِرُ عَلَيْهَا مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا أُعْطِيَ أَيُّوبَ عليه السلام عَلَى بَلَاءِهِ وَ كَانَ عَلَيْهَا مِنَ الْوِزْرِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مِثْلَ رَمْلِ عَالِجٍ فَإِنْ مَاتَتْ قَبْلَ أَنْ تُعِينَهُ وَ قَبْلَ أَنْ يَرْضَى عَنْهَا حُشِرَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُنْكَوسَةً مَعَ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ لَمْ تُؤَافِقْهُ وَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى مَا رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سَقَّتْ عَلَيْهِ وَ حَمَلَتْهُ مَا لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا حَسَنَةً تَتَّقِي بِهَا النَّارَ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا مَا دَامَتْ كَذَلِكَ».

۶۳. «وَ مَنْ أَصْرَبَ بِامْرَأَةٍ حَتَّى تَقْتَدِيَ مِنْهُ نَفْسَهَا لَمْ يَرْضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ بِعُقُوبَةِ دُونَ النَّارِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَعْضَبُ لِلْمَرْأَةِ كَمَا يَعْضَبُ لِلنَّبِيِّ».

۶۴. «وَ فِي حَدِيثِ الْحَوْلَاءِ بِالسَّنَدِ الْمُسْتَقْدَمِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: فَأَيُّ رَجُلٍ لَطَمَ امْرَأَتَهُ لَطْمَةً أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَالِكًا حَازِنَ النَّيْرَانِ فَيَلْطِمُهُ عَلَى حُرِّ وَجْهِهِ سَبْعِينَ لَطْمَةً فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَ أَيُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى شَعْرِ امْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ سَمَّرَ كَفَّهُ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ».

۶۵. «يَا عَلِيُّ أَرْبَعَةٌ مِنْ فَوَاصِمِ الظَّهْرِ إِمَامٌ يَعْصِي اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يُطَاعُ أَمْرُهُ وَ رُوحَةٌ يَحْفَظُهَا رَوْجُهَا وَ هِيَ تَحُونُهُ وَ فَفَّرٌ لَا يَجِدُ صَاحِبُهُ مُدَاوِبًا وَ جَارٌ سُوءٌ فِي دَارٍ مَقَامٍ».

۶۶. «أَيُّمَا امْرَأَةٍ آذَتْ رَوْجَهَا بِلِسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صِرْفًا وَ لَا عَدْلًا وَ لَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُرْضِيَهُ وَ إِنْ صَامَتْ نَهَارَهَا وَ قَامَتْ لَيْلَهَا وَ أَعْتَقَتِ الرَّقَابَ وَ حَمَلَتْ عَلَى جِنَادِ الْخَيْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ وَ كَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا كَانَ لَهَا ظَالِمًا».

۶۷. «وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَقْذِفُوا نِسَاءَكُمْ إِلَّا مَلْعُونٌ أَوْ قَالَ مُتَّفِقٌ فَإِنَّ الْقَذْفَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْكَفْرُ فِي النَّارِ لَا تَقْذِفُوا نِسَاءَكُمْ فَإِنَّ فِي قَذْفِهِنَّ نَدَامَةً طَوِيلَةً وَعُقُوبَةً شَدِيدَةً».
۶۸. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشِرَارِ رِجَالِكُمْ قُلْنَا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنَّ مِنْ شِرَارِ رِجَالِكُمُ الْمُبْتَاتَاتِ الْجَرِيءَاتِ الْفَحَاشِ الْأَكْلِ وَحُدَّةَ وَالْمَانِعِ رَفْدَهُ وَالضَّارِبِ عَبْدَهُ وَالْمُلْجِي عِيَالَهُ إِلَى غَيْرِهِ».
۶۹. همان و «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ﷺ قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ص ثَلَاثَةَ الْأَكْلِ زَادَهُ وَحُدَّةَ وَالرَّاكِبَ فِي الْفَلَاةِ وَحُدَّةَ وَالنَّائِمَ فِي بَيْتٍ وَحُدَّةً».
۷۰. «وَقَالَ النَّبِيُّ ص أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ نِسَائِكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ أُخْبِرْنَا قَالَ مِنْ شَرِّ نِسَائِكُمُ الدَّلِيلَةُ فِي أَهْلِهَا الْعَزِيزَةُ مَعَ بَعْلِهَا الْعَقِيمِ الْحَقُودُ الَّتِي لَا تَتَوَرَّعُ عَنْ قَبِيحِ الْمُتَبَرِّجَةِ إِذَا عَبَّ عَنْهَا زَوْجُهَا الْحَصَانُ مَعَهُ إِذَا حَضَرَ الَّتِي لَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَلَا تُطِيعُ أَمْرَهُ فَإِذَا خَلَا بِهَا تَمَنَّعَتْ تَمَنَّعَ الصَّعْبَةِ عِنْدَ رُكُوبِهَا وَلَا تَقْبَلُ لَهُ عُذْرًا وَلَا تَعْفِرُ لَهُ ذَنْبًا».
۷۱. «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ اعْلَمُوا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَّهُ مَنْ لَمْ يَمْلِكْ لِسَانَهُ يَنْدَمْ وَمَنْ لَا يَتَعَلَّمُ يَجْهَلُ وَمَنْ لَا يَتَحَلَّمُ لَا يَحْلُمُ وَمَنْ لَا يَرْتَدِعُ لَا يَعْقِلُ وَمَنْ لَا يَعْقِلُ يَهْنُ وَمَنْ يَهْنُ لَا يُوقِرُ وَمَنْ يَتَّقِ يَنْجُ وَمَنْ يَكْسِبُ مَالًا مِنْ غَيْرِ حَقِّهِ يَصْرِفُهُ فِي غَيْرِ أَجْرِهِ».
۷۲. پیامبر ﷺ می فرماید: «هُلِكَ بِذِي الْمُرْوَةِ أَنْ يَبِيَّتَ الرَّجُلُ عَنْ مَنْزِلِهِ بِالْمِصْرِ الَّذِي فِيهِ أَهْلُهُ».
۷۳. امام صادق ﷺ می فرماید: «لَا تَقْذِفُوا نِسَاءَكُمْ فَإِنَّ فِي قَذْفِهِنَّ نَدَامَةً طَوِيلَةً وَعُقُوبَةً شَدِيدَةً».
۷۴. پیامبر ﷺ فرمودند: «إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمْ... الْمُتَبَرِّجَةَ مِنْ زَوْجِهَا الْحَصَانِ عَنْ غَيْرِهِ».
۷۵. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ».
۷۶. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا؟»؛ «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى».

کتابنامه

قرآن کریم.

- البحرانی، السيد هاشم الحسيني، *البرهان في تفسير القرآن*، قم، دار التفسير، [بی تا].
- ابن بابویه، محمد بن علی، *الامالی*، تهران، انتشارات کتابچی، [بی تا].
- _____، *الهدایة فی الأصول و الفروع*، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام، [بی تا].
- _____، *ثواب الاعمال*، قم، دارالشریف الرضی للنشر، [بی تا].
- _____، *من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، [بی تا].
- ابن شعبه حرانی، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین، [بی تا].
- ابن طاووس، علی بن موسی، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، قم، دارالذخائر، [بی تا].
- ابن عساکر، أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبدالله الشافعی، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، [بی تا].
- اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمّة*، تبریز، بنی هاشمی، [بی تا].
- اعرافی، علیرضا، *فقه تربیتی*، قم، مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان، [بی تا].
- آخوند خراسانی، محمدکاظم، *کفایه الاصول*، بیروت، داراحیاء التراث، [بی تا].
- بروجردی، شیخ حسین، *نهایه الافکار*، قم، مؤسسه نشراسلامی، [بی تا].
- پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش، [بی تا]، [بی تا].
- حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، [بی تا].
- حکیم، محسن، *منهاج الصالحین*، قم، دارالرساله، [بی تا].
- حکیم، محمدتقی، *الاصول العامه للفقّه المقارن*، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، [بی تا].
- خراسانی، محمدکاظم، *کفایه الاصول*، قم، مؤسسه نشراسلامی، [بی تا].
- خویی، ابوالقاسم: (۱۴۱۳)، *مصباح الفقاهه*، قم، المكتبة الداوری، [بی تا].
- درخشان، سمیه؛ معصومی، جمشید؛ وزیری، مجید، حقوق و تکالیف زوجین در فقه و حقوق موضوعه با تأکید بر حقوق شهروندی، *مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی*، ۱۳، ۴۱۸-۴۰۷.

- دیلمی، شیرویه ابن شهردار، *الفردوس بمأثور الخطاب*، بیروت، دارالکتب العلمیه، [بی تا].
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، المکتبه المرتضویه، [بی تا].
- راوندی، قطب الدین، *الدعوات*، قم، مدرسه امام مهدی (عج)، [بی تا].
- رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، [بی تا].
- سبحانی، جعفر، *رساله توضیح المسائل*، تهران، نشر جمهوری، [بی تا].
- _____، *تهذیب الاصول* (تقریر بحث آیه الله روح الله الموسوی الخمینی) (ج ۳)، قم، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام، [بی تا].
- سبزواری، سید عبدالاعلی، *مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام*، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۸.
- سلاجقه، بتول، جایگاه تربیتی - مدیریتی عواطف از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، *فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه*، ش ۲، ص ۱۲۱-۱۳۷.
- سلحشوری، احمد؛ یوسف زاده، محمد رضا، جایگاه عاطفه در تربیت اخلاقی، *تربیت اسلامی*، سال ششم، ش ۱۲، ص ۱۳۹-۱۲۱.
- سلیمان بن داود بن الجارود، *مسند أبی داود الطیالسی*، تحقیق محمد بن عبد المحسن التركي، مرکز البحوث و الدراسات العربیه و الاسلامیه بدار هجر، [بی تا].
- سیاح، احمد، *فرهنگ بزرگ جامع نوین*، تهران، انتشارات اسلام، [بی تا].
- شهید اول، *القواعد و الفوائد*، قم، انتشارات مفید، [بی تا].
- شهید ثانی، *المعالم الدین و ملاذ المجتهدین*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، [بی تا].
- طباطبایی، مصطفی، *فرهنگ نوین، عربی - فارسی*، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، [بی تا].
- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، [بی تا].
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو، [بی تا].
- طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، قم، الشریف الرضی، [بی تا].
- طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تهران، المکتبه المرتضویه، [بی تا].
- (شیخ) طوسی، جعفر محمد بن حسن، *المبسوط فی الفقه الامامیه*، تهران، المکتبه المرتضویه، [بی تا].

(شیخ) طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، *الکتابان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].

(شیخ) مفید، محمد بن محمد، *الامالی*، قم، کنگره شیخ مفید، [بی تا].

_____، *المقنعه*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، [بی تا].

علیزاده، فرزانه؛ شرفی، محمدرضا، مدیریت عواطف از دیدگاه نهج البلاغه، *فصلنامه کتاب و سنت*، دوره ۲، ش ۴، صفحه ۷-۲۸.

فقیهی، علی نقی، نگاه عاطفی به روابط عاطفی زوجین در آموزه‌های دینی، *دو فصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی*، ش ۱۷، ص ۱۰۱-۷۵.

_____، عقل عاطفی در آموزه‌های اسلامی با تأکید بر کارکردهای تربیتی-روان شناختی آن، *مجله عقل و دین*، ش ۱۷، ص ۶۹-۹۴.

_____، وظایف نگرشی زوجین نسبت به هم از منظر فقه تربیتی، *دو فصلنامه علمی مطالعات فقه تربیتی*، ش ۱۵، ص ۲۳۶ و ۲۴۵.

نجفی، حسن، عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده؛ برگرفته از احادیث، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۱۰، ص ۵-۲۸.

فیض کاشانی، ملامحسن، *المحجة البیضاء*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، [بی تا].

_____، *النخبة فی الحکمة العملية و الأحکام الشرعية*، نسخه خطی، [بی تا].

قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، قم، دفتر نشر نوید اسلام، [بی تا].

کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.

متقی الهندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، تحقیق حسن روزق، تصحیح صفوه السقاء، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، [بی تا].

مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، [بی تا].

محمدی ری شهری، محمد، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، انتشارات دارالحدیث، [بی تا].

مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، [بی تا].

مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

[بی تا].

مظاهری، شیخ حسین، *رساله توضیح المسائل*، قم، مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیها السلام، [بی تا].
مظفر، محمدرضا، *عقاید الامامیه*، قم، انتشارات انصاریان، [بی تا].
المقری الفیومی، احمد بن محمد بن علی، *المصباح المنیر*، مصر، مطبوعات محمدعلی صبیح و اولاده، [بی تا].

موسوی بجنوردی، محمد، *صومعه سرایی*، بتول مهرگان، بررسی حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین بر اساس مصلحت خانواده با رویکردی بر نظر امام خمینی علیه السلام، *پژوهشنامه متین*، دوره ۱۹، ش ۷۶، ص ۱-۲۰.

نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
نعمتی پیرعلی، دل آرا؛ کاردوانی، راحله؛ وکیلی، مهدی، ملازمه تکالیف زوجین و اخلاق مداری در خانواده در منابع اسلامی، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۴، ۵۴، ص ۲۱۱-۲۵۳.
نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، [بی تا].

وحید خراسانی، حسین، *رساله توضیح المسائل*، قم، مدرسه باقرالعلوم، [بی تا].
ورام ابن ابی فراس، مسعود، *تنبیه الخواطر و نزهة التواظر (مجموعه ورام)*، قم، مکتبه فقهیه، [بی تا].
هاشمی شاهرودی، محمود، *بحوث فی علم الاصول*، قم، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة، [بی تا].
یوسفی مقدم، محمدصادق؛ صادقی فدکی، جعفر، پژوهشی در توسعه فقه به حریم اعتقادات و اعمال قلبی، *پژوهش های فقهی*، دوره دهم، ش ۴، ص ۷۵۹-۷۹۰.

منابع انگلیسی

Choquet, M. Kovess, V. and *puting at*, N. (1993). Suicidal thoughts among adolescents: an intercultural approach. *Adolescence*, vol 28, issue 111, pp 649-659.
Dukes, R.L. and Lorch, B.D. (1989). Concept of self, Mediating factors and adolescent deviance. *Sociological Spectrum*, vol 9, issue 3, pp 301-319.
Keddie, A.M. (1992). Psychosocial factors associated with teenage pregnancy in *Jamaica Adolescence*. Source: *Adolescence Academic Journal*, vo27, issue 108, pp873- 890.